

معرفی یک قرآن نفیس



محمد جعفر یاحقی
پروفیسر، کالج علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

معرفی يك قرآنِ نفیس

از میان قرآنهای مترجم کهنی که از دیرباز بر حرم مطهر حضرت ثامن الحجج وقف شده و هم اکنون در کتابخانه آستان قدس نگهداری می‌شود، برخی یادگار روزگارهای بسیار کهن می‌باشد و آنها هم که بزمان ما نزدیک‌تر می‌نماید، جلوه‌گاهی است از ذوق و هنر پیشینیان که با اخلاصی فریشته‌وار، در راه اعتقاد خویش کار کرده‌اند.

قرآنی که اینک با راهنمایی آقای بینش معرفی می‌شود، یکی از چند قرآن معتبری است که از جهت احتواء بر ترجمه‌ای بسیار استوار، در جزء قرآنهای مترجم دیگر در سازمان فرهنگنامه قرآنی آستان قدس رضوی فیش شده است اهمیت این قرآن نفیس از دو جهت است. اول از نظر قدمت تاریخی (تاریخ تحریر، صفر سال ۵۵۶ هجری) و داشتن ضنائم و یادداشتهای مفید، و دیگر از حیث ترجمه بسیار استوار و عالمانه که گذشته از لغات پارسی خوب برخی نشانه‌های لهجه مترجم راهم در بر دارد. در ذیل در سه قسمت جداگانه بمعرفی آن پرداخته می‌آید.

الف: مشخصات.

ب: ضنائم و یادداشتهای.

ج: در باب ترجمه.

الف: مشخصات.

قرآن مورد بحث، به شماره ۶۶۱ مسلسل و نمره خصوصی ۳۰۴ جزو کتب کتابخانه آستان قدس ثبت می‌باشد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 خذوا زينة
 دوزخه دمهوبان

الذرية التي اوتيت الخالقين
 خذوا زينة
 دوزخه دمهوبان

تعدوا وانا انك تسعدون
 خذوا زينة
 دوزخه دمهوبان

انعمت عليكم على الصراط المستقيم
 خذوا زينة
 دوزخه دمهوبان



قرآنی است کامل با ۴۴۹ صفحه متن و ۷ صفحه ضمائیم و یادداشتها در مقدمه. متن عربی به خط کوفی مشکول و گاه نزدیک به نسخ، ترجمه فارسی در ذیل کلمات با خط نسخ می باشد.

دو صفحه آغاز با پیشانی و ذیل طرح قلمکار به شنگرف و زعفران تزیین یافته است. اسامی سوره ها بخط رفاع بازعفرانی و برخی بزعفران تحریر دارد، نوشته شده است. حزب و جزو و نصف الجزو در حواشی بشنگرف است و نیز نشانهای ترنجی برای فواصل ده آیه (عشرات) و نشانه های مخروطی برای پنج آیه (خمسات) در حواشی باشنگرف و زعفران قرار گرفته است دو صفحه نصف القرآن (یعنی ص ۲۲۷ و ۲۲۸) نیز همچون دو صفحه اول با پیشانی و ذیل تزیین یافته است. فواصل آیات بادوایر زعفرانی مشخص شده. وقوف با زنگار و مدات و همزه ها و برخی دیگر از نشانه های تجویدی به شنگرف است. با قطع ۳۷/۵ × ۲۵، هر صفحه ۳۴ سطر (۱۷ متن و ۱۷ ترجمه) دربردارد.

نام کاتب و تاریخ کتابت

تاریخ کتابت و نام کاتب به همان قلمی که متن تحریر یافته، در صفحه آخر بدنبال سوره «ناس» نوشته شده و کاتب این یادداشت خود را هم ترجمه کرده و مثل متن قرآن در ذیل عبارات عربی، فارسی آنرا داده است.

اینک یادداشت کاتب و ترجمه آن :

و کتَبَ هذا الجامع ابو علی ابن (کذا) بنوشت این... (۱) پدر علی حسن پسر الحسن بن محمد بن محمد بن الحسن الخطیب محمد پسر حسن خطبه کننده بدیه که کاتب بقریه که کاتب من ناحیت المرحبی من از بقعه مرحبی گویند، از حوالی شهر

۱- این کلمه خوانا نیست. شاید «منصوبه»؟ بمناسبت ارزش معنوی و بلند مرتبه ای

کوره الری اعانه الله علی طاعته ری بدارد اورا خدای تعالی و رطاعت
 و ابتغاء مرضاته وثبته بالقول الثابت خویش و بجوید رضای خدای یعنی در
 فی الدارین و فرغ منه فی یوم السبت نبشتن کتاب و محکم کند بگفتن محکم
 الثالث عشر من صفر عند صلوة الظهر یعنی بپذیرد در هر دو سرای و فارغ شد
 من سنه ست و خمسين و خمس مایه از نبشتن این کتاب در روز شنبه سیزده
 از ماه صفر نزدیک نماز پیشین از سال
 شش و پنجاه و پانصد

در ذیل این یادداشت بازنگاری یعنی قلمی که با آن و قفهار گذاشته است ،
 نوشته .

و فرغ من و قوف هذا المصحف یوم ... (۱) از وقوف کردن این کتاب
 ... من هذا الشهر المذكور فیه روز ... (۱) ... ازین ماه کی نوشته
 است درین

در حاشیه سمت چپ صفحه و کنار یادداشت کاتب باشنگرف یعنی رنگ
 مدات و نشانه های تجویدی نوشته است :

و فرغ منه من المد هذا المصحف و فارغ شد از آن از ممدود ... (۱) این
 همزها و تنوین ذلك فی آخر هذا کلام و تنوین این در آخر این ماه از
 الشهر من سنه المذكور فیه یوم الاثینین . سال ... (۱) روز دوشنبه

واقف و وقف نامه

وقف نامه این قرآن در آغاز، پشت صفحه اول با خط جدید تر باین شرح
 موجود است :

«این جلد کلام مجید ربانی را وقف روضه مقدسه امام انس و الجان حضرت امام رضا علیه الصلاة والسلام نمود صلاحیت شعار کمترین خلق الله محمدیك بن از ساوئی که در روضه متبرکه تلاوت نمایند و اگر کسی آنرا از سر کار حضرت طمع نمود متصرف شود بلعنت خدا گرفتار گردد تحریر آ فی غره شهر ربیع الاول سنه ۱۱۳۱ .

مکتب مطبوعاتی آستان قدس رضوی

ب : ضمائم و یادداشتها

گفته شد که حدود ۷ صفحه ضمائم در آغاز این قرآن هست که برخی از نظر تاریخی اهمیت دارد . این یادداشتها بر دو گونه است . يك قسمت از آنها به خط خود کاتب است که اهمیت بیشتری دارد و غالباً ترجمه فارسی آن هم در زیر عبارات عربی داده شده است که چون در حد خود کم نظیر است ما آنها را همراه ترجمه اش نقل می کنیم . قسمت دیگر یادداشتهای بعدی است که با خط متن متفاوت است و بزمان های اخیر مربوط می شود .

مهمترین ضمیمه ای که به خط کاتب همراه با ترجمه فارسی با همان خصوصیت متن عربی بچشم می خورد ، اسما باری تعالی است که در آغاز بخط کوفی متحول نگارش یافته و مزیت آن بر متن از این جهت است که اعراب آن به رسم قدیم با نقطه های قرمز است فتحه يك نقطه در بالا ، کسره يك نقطه در زیر و ضمه بایک نقطه در روی حرف نشان داده شده است .

مطلب دیگر که بنظر می رسد بقلم کاتب اصلی باشد حدیثی است از رسول اکرم درباره قرآن که جمله عنوان و ترجمه فارسی آن بازنگار نوشته شده و خط عربی حدیث خط کوفی است که درشت تر از متن قرآن نوشته شده و بهمان ترتیب که در جدول اسما لله نوشته شده اعراب آن با نقطه های قرمز است . اینک آن حدیث و ترجمه فارسی آن :

وقد جاء الأخبار عن السيد المختار انَّهُ وحقیقت آمد اخبار از سید بزرگوار
 قال : وگزیده کی او گفت :

القرآن غنیٌّ لافقر بعده ولا غنیٌّ قرآن توانگری است ك نیست درویشی
 دونه اصدق الحدیث كتابُ الله . القرآن پس از آن و نیست هیچ توانگری
 هو الدواء . لیس منّا من لم یتغنَّ ماورای آن راست تر حدیثی کتاب
 بالقرآن . خیرکم من تعلّم القرآن و خدای است . قرآن بحقیقت شفای
 علمه القرآن . افضل عبادة امتی مؤمنان . نیست از ما آنك نکند توانگری
 بقرآن . بهترین شما آن کس است کی
 قراءة القرآن...
 درآموزد قرآن را (۱)... دیگران را

قرآن... (۲)

یادداشتها و ضمائم که از نظر خط و اسلوب نگارش به متن شبیه بود و
 بنظر می رسید که به خط کاتب اصلی باشد تقریباً در اینجا پایان می یابد .
 یادداشتهایی که ازین به بعد خواهد آمد با خط متن متفاوت و آنچه هم تاریخ دار
 است جدیدتر از تاریخ کتابت اصل می باشد مهمترین آنها جدولی است که برای
 عدد حروف قرآن ترتیب یافته که بخط ثلث می باشد و در تاریخ جمادی الآخر
 سال ۵۵۷ یعنی یک سال بعد از اتمام متن نوشته شده و معلوم می شود بخط
 کاتب نیست . این است آن جدول :

عدد حروف القرآن

ا : خمس و اربعین الفاً و ثمان مائة و اثنین و سبعین

ب : عشرة الف و اربع مائة و اثنی و عشرین

۱- این کلمه فرسوده شده و قابل فرائد نیست .

۲- از اینجا به بعد زیر برش صحافی رفته است .

- ت : احدى عشر الفا وثلثمائة واثنين وثلثين
 ث : الف واربع مائة واربع
 ج : ثلاثة الف وثلثمائة واثنى وعشرين
 ح : اربعة الف ومائة وتسعين وثلث
 خ : الفين وستماية وثلث
 د : اربعة الف وتسع مائه وسبعين
 ذ : ست الف واثنين وتسعين
 ر : اثنا عشر الفا ومايتين واثنين واربعين
 ز : الف وستماية واثم
 س : احدى عشر الفا وستماية غير واحد
 ش : الفين ومائه وتسع وثلثين
 ص : الفين وماتين و سبع وثمانين
 ض : الفين ومائه وتسع وتسعين
 ط : الفان ومايتين واثنى وثلثين
 ظ : ثمان مائه واثنين واربعين
 ع : سبعة آلاف و احدى عشره
 غ : الف ومائه وتسع وثلثين
 ف : اربعة آلاف و احدى عشره
 ق : الفين واربع مائه و احدى وستين
 ك : عشرة الف ومايتين احدى وعشرين
 ل : ثلاثه وثلثين الفا وخمس مائه وعشره
 م : خمسة عشر الفا وتسعه
 ن : سبعة عشر الفا واربعين

و: احد و عشرين الفا و خمس مایه و عشرين

ه: ثلاثة عشر الفا و تسع و عشرين

لا: اربعة آلاف و اثنی و خمسين

ی: تسعة آلاف و احد و خمسين .

جمله: فذلك ثلث مایه الفا و احد و عشرين الفا و اربع مایه و احد و عشرين و كتب يوم الثلاثاء عند الزوال في شهر جميدى الاخر سنة سبع و خمسين و خمس مایه .

از قدیم الایام تعداد حروف و کلمات و رکوعات قرآن را مسلمانان با حوصله تعیین کرده بودند و در مقدمات قرآنها و برخی کتب دیگر هم دیده می شود و گاه اختلافاتی هم در شمارش برخی از حروف بچشم می خورد (۱) . مطلب دیگر که باز از نظر تاریخی اهمیت دارد حدیثی است با خط ثلث که در سال ۶۵۲ کتابت شده باین شرح:

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان هذه القلوب تصدأ كما يصد الحديد . قيل يا رسول الله فما جلاها ؛ قال ذكر الموت وتلاوة القرآن . صدق الله العظيم وصدق رسوله الكريم . كتبه العبد الضعيف محمد الاديب الساوي بخطه في منتصف ربيع الاول من سنة اثنی و خمسين و ستمایه عفر الله له .

در صفحه مقابل این حدیث بعد از حمد باری تعالی تاریخ تولد شخصی بنام عبیدالله پسر استاد نورالله که روز چهارشنبه بیست و ششم رمضان المبارک سال ۹۱۴ واقع شده بقلم شخصی بنام احمد الخطیب بخط ثلث جلی تحریر یافته است .

۱- از جمله رجوع شود نامه آستان قدس شماره ۴ سال هشتم، مقاله آقای بینش بنام

يك صفحه ديگر در آغازين قرآن هست كه حاوي احاديثي از قول حضرت رسول مي باشد و گويي اصلاً جزو خود قرآن نبوده و در صحافيهاي بعدي به آن منضم گرديده است .

احاديث باخط ثلث درشتي تحرير يافته و در بين سطور كه از هم زياد فاصله دارد باخط ثلث ريز تري عبارات و اشعار لطيفي ديده مي شود اين چند بيت كه خالي از لطافتي نيست نقل مي شود .

اعتصام الوري بمفرتك عجز الواصفون عن صفتك
تب علينا فاننا بشر ما عرفناك حق معرفتك
در ذيل سطر بعد نوشته :

الخط صناعة روحانيه تزيد بالمدامة وتزول بالترك .

الخط يبقی زماناً بعد كاتبه و صاحب الخط تحت الارض مدفون
در ذيل همين يادداشت در مناجات :

الهي انت تعلم ما مرادي وتعلم ما ضميري في فؤادي
الهي ليس لي علم جميل سوى ظنني بعفوك لعبادي
در پائين صفحه كاتب با خط شكسته زيبائي چنين خود را معرفي مي كند
حرره الفقير الحقير المذنب الجافي محمد الخوارزمي عفا الله عنه ولي تاريخي
بچشم نمي خورد .

در قديم كه شناسنامه وجود نداشته مسلمانان تاريخ تولد فرزندانشان را كه از يادها مي رفته معمولاً بر پشت قرآن ها كه در هر خانه اي طبعاً وجود داشته مي نوشته اند (اين رسم هنوز هم گوشه و كنار در برخي خانواده هاي دهاتي ديده ميشود) . بر پشت صفحه اول اين قرآن هم اسم و تاريخ تولد سه فرزند صاحب آن - كه شخصي بنام ابراهيم جان عبد الواحد بوده - كه بين سالهاي ۵۸۱ تا ۵۸۵ اتفاق افتاده يادداشت شده است . در همين صفحه مهرهاي

متعددی از اولیای آستان قدس دیده می‌شود؛ در آخرین صفحه آن هم دعای ختم القرآن باخط کوفی نوشته شده که گویا کامل هم نیست و ورقی از آن افتاده است.

ج: درباب ترجمه

گفته شد که قرآن مورد بحث دارای ترجمه‌ای کامل و استوار در ذیل آیات می‌باشد که گویا به قلم کاتب متن انجام گرفته است. پارسی شیوای این ترجمه نشان می‌دهد که مترجم علاوه بر اینکه عربی خوب می‌دانسته بدقایق و لطائف زبان پارسی نیز آگاه بوده است؛ زیرا برابری فارسی او در حد خود کم نظیر است و همین سعه دانش او باعث شده که از بسیاری از خطاهائی که مترجمین دیگر احیاناً برایشان پیش آمده برکنار مانده است. در ترجمه پارسی این قرآن تا حد لزوم و تا آنجا که بمعنی واقعی کلام مجید خللی وارد نیامده اصالت و سهولت زبان پارسی حفظ شده است و حتی مترجم تا حدود امکان خود را از قید جمله بندی عربی خارج کرده و به روانی پارسی بیشتر اهمیت داده است. بطوری که بیشتر زیر نویس آیات بدون مراجعه بمتن عربی روان و گویای مطلب است. در همینجا باید گفت که برای رعایت همین نکته است که مترجم بسیاری از حروف تأکید و روابط و عطف‌ها که مخصوص عربی است و در فارسی فصیح نمی‌باشد، ترجمه نکرده. مثل آن^۱، آ (لام و نون تأکید) و غیره، و علاوه بر جا ایجاب کرده، مشتقات را بصورت فعل ترجمه کرده و یا فی المثل کلمه‌ای برای ایضاح مطلب بر ترجمه لفظ بلفظ افزوده است. مثلاً ترجمه این دو آیه، فاتبع بالمعروف و اداء^۲ الیه باحسان.

ترجمه: متابعت کند معروف را و دهنده او (به او) دیت آن کشته ص (۱۱) آیه دیگر:

حَافِظُوا عَالِي الصَّلَاةِ وَالصَّلَاةِ الْوَسْطَى وَ قَوْمِ اللَّهِ قَاتِلِينَ فَانِ خَفْتُمْ فِرْجَالًا

وركبانا فاذا امنتكم فاذكروا الله كما علمكم

ترجمه : نگاه بان باشی (= باشید) ورنمازها خاصه نماز میانه ومطیع باشی خدای را مطیع شدگان اگر ترسی (= ترسید) شما نماز کنی پیاده یابسوار چون ایمن گردی نماز کنی خدای را چنانک در آموختست شمارا ص ۳۰ .

درین قرآن برخی خصوصیات بچشم می خورد که بنظر می رسد از آثار لهجه مؤلف باشد و یا از مقوله استعمالات نادری که ممکن است در هر روزگاری در زبان قام رایج باشد ، در زیر اجمالا به چند مورد اشاره می کنیم .

الف : در ترجمه فعل نهی مغایب، برخی موارد در آخر ترجمه يك الف افزوده می شود . مثل : لایضار : مکنیازیان (۳۷) ، لایاب : سروامزیا (۳۷) همچنین در آخر ترجمه فعل امر غایب هم چنین الفی در آمده است .

مثل لیکتب : بنویسیا (۳۷) لیخش : بترسیا (۶۰)

ب : حذف دال دوم شخص جمع .

فعلهای جمع مذکر مخاطب که در فارسی دوم شخص جمع معنی می شود اکثر اوقات بدون دال آخر که در صورت ، بامفرد شبیه است ، استعمال شده .

امثله :

لا تخلقوا : وامکنی موی (= وامکنید) (۲۴) افیضوا : واگردی شما (۲۴)

لا تکفرون : نسپاسی نکنی (۸) اذکروا : یاد کنی (۸)

اهبطوا : فروشوی (۷) تهتدون : راه یافتگان باشی (۲)

ج : نکته قابل ملاحظه دیگر تبدیل برخی حروف است که با مقایسه با

استعمال امروز شکل مضبوط در این قرآن بنظر می رسد فرم لهجه ای باشد .

استعمال واو بجای ب : شواهد

لا تحمل : ورمنه (۳۸) یقوم : ورخیزد (۳۶)

غی : ویراه (۳۳) فوق : زور (۲۶)

رَفَعْنَا: ورداشتیم ما (۱۵) اَعُوذُ: وازداشتم (۱۲)
 يَتْلُو عَلَيْنَا: می‌ورخواند و رَشْمَا (۸) یخِذْعُونَ: می‌فریوندایشان (۲)

خ بجای ه

اتَقُوا: بپرخیزید (بپرهیزید) (۳) تَتَّقُونَ: بپرخیزی (۱۱)

واو بجای ف

رَبْوَةٌ: اوراز (= افزاز بمعنی بلندی) (۳۵)

ف بجای واو

بَقْرٌ: گاف (۱۲) و چندین مورد دیگر

* * *

دوزیر برای مزید آشنائی با ترجمه این قرآن ترجمه سوره «فجر» (۸۹) را که از برخی موارد تفسیری هم خالی نیست با شماره آیات می‌دهیم شاید از فایده‌ای خالی نباشد ضمناً رسم الخط خود متن هم رعایت می‌شود.

بنام خداوند مهربان و بخشنده

سوگند یاد کند بصبح زود (۱) و شبهای ده از اول ذی‌الحجه (۲) و بهر نمازی که جفت است و بنمازی که طاق است (۳) و شب چون اندر آید (۴) هست در این چیزها سوگندی خداوند عقل را (۵) خبر نکردند ترا یا محمد کی چون کرد خداوند بقوم هود (۶) ارم برسام بنوح خداوندان ستونها زین و سیمین (۷) انک نیافرید خدای ماندان در شهرها (۸) و چون هلاک کرد قوم صالح آن کسهاک می‌کنند سنکها را بوادی (۹) و چون غرقه کرد فرعون خداوندان میخها (۱۰) آن کسهاک ایشان تباهی کردند در شهرها (۱۱) و بسیار

کردند اندر شهر هافساد (۱۲) بفرستاد برایشان خداوند تو سخت‌ترین عذابی (۱۳) بدرستی کی خداوند تو فریشتگان را براه کند صراط کرده است (۱۴) اما مردم کافر چون بیازماید او را خداوندش و گرامی کند او را و نعمت دهدش گوید خداوند من گرامی بکرد مرا (۱۵) و چون بیازماید او را و تنگ بکند بروی روزی او او می گوید خداوند من خوار بکرد مرا (۱۶) حقا که نه که ندارند گرامی تیمان را (۱۷) و نه حریص کنند مردمان را بر طعام دادن درویشان (۱۸) و همی خورند میراث خوردنی سخت (۱۹) و دوست می دارند خواسته را دوستی بسیار (۲۰) حقا که چون بچنانند زمین را چنانیدنی از بس یک دیگر (۲۱) و بیاید امر خداوند تو و فریشتگان صف صف (۲۲) و بیاورند آن روز دوزخ را آن روز بندگیرذ کافر و کجاسوز دارد بندگرفتن اوی (۲۳) همی گوید کاشکی من نیکی فرستاد می درزندگانی خویش (۲۴) آن روز نکنند عذاب چون عذاب کردن وی هیچ کس را (۲۵) و نکنند بای بند چون بای بند کردن وی هیچ کس را (۲۶) گویند مومنان را ای جان ایمن شده از عذاب (۲۷) باز کرد با ثواب خداوند خویش خشنودشده بشواب خدای و خشنودشده از تو بفرمان برداری (۲۸) اندر روید اندر جمله بندکان من (۲۹) و اندر روید در بهشت من (۳۰)

این قرآن بطور کلی از نظر برابرهای فارسی چندان غنی نیست و بیشتر در ترجمه آن طبیعت زبان ملحوظ بوده تا آوردن پارسی سره و پرهیز از عربی، بسا این همه چنان نیست که یکسره از لغات پارسی اصیل خالی باشد. برای نمونه در زیر اندکی از برابرهای فارسی آنرا می‌دهیم:

اخـدود : آب برین	اولین : پیشینگان
اساور : دستونجه (کذا)	بَشْر : مزدگان‌ده
اَعَدَّ ، بجارده است	بَقْرَة : گاف
اَعُوذُ : وازدشت خواهم	تَسْلِيم ، گردن‌نهادن

تَشْكرون : سپاس دارید	لا تحمل : ورم نه
تعی : بنیوشد	لا تسأوا : سیر ورمه ای ^۱
جناح : بزه	ولایشركن : نگیرند هنباز
ختم : مهر ورنهاد	لجی : ژرف
دَابَّة : چمنده	مال : خواسته
رجیم : ستنبه	متقین : پر خیز گاران
رَفَعْنَا : برداشتیم ما	مسجد الحرام : مزگت شکوه مند
زرابی : شاد رگانها	مسکنة : درویشه (کذا)
ساحِرین : فسوس کنان	مَکَر : سگالیدن
سَحَاب : میغ	مَن : ترنجمین
سَمِيع : آشنوا	وقود : هیمه
شرب : آبشخور	وکیل : پابندان
عُسر : دشخواری	یخدعون : می فریوند ایشان
عَمَام : میغ	یستعجلون : شتاب زدگی کنند
غسی : ویرا	یشرب : باز خورد ^۲
کواعب : زنان دوشیده (کذا)	یوم الدین : روز رستخیز

۱- سیر ورمه ای = سیر برمه آید یعنی بستوه مشوید، در رسم الخط قدیم گاه

(۲) با دوالف بصورت (۱۱) دیده شده است از جمله رجوع شود به مجله دانشکده

ادبیات مشهد شماره ۲ سال سوم مقاله آقای دکتر متینی ص ۱۶۶ .

۲- باز خوردن درین قرآنها همه جا بمعنی نوشیدن و در مقابل شرب عربی می آید .